

آموزه‌های قرآنی در دیوان جواهری

ابراهیم فلاح^۱

چکیده

شعرا و ادبای عرب به گونه‌های مختلف از آموزه‌های قرآنی بهره‌مند شده و کلام‌شان را به واژگان و مضامین آن مزین کرده‌اند. محمد مهدی جواهری از جمله این شاعران است که در خانواده‌ای مذهبی پرورش یافت و از همان اوان کودکی با قرآن مأنوس بود، تا آنجا که قرآن را نخستین منبع شکل‌گیری شخصیت ادبی خویش معرفی می‌کند. در آموزه‌های قرآنی جواهری، موضوعات و مفاهیم بسیاری از آیات قرآن مطرح شده است که نشان می‌دهد شاعر کوشیده با الهام از قرآن و رهنمودهای آن بر شیرینی کلام خود بیفزاید. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی آموزه‌های قرآنی را در دیوان جواهری بررسی و تحلیل می‌کند. براساس نتایج حاصل از این تحقیق جواهری در حوزه‌های لفظ، معنا، مفاهیم و آموزه‌های قرآنی از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است و آموزه‌های قرآن کریم را در دیوان خود به اشکال مختلف شامل شیوه‌های مستقیم، غیرمستقیم (تلمیحی و مضمونی)، ترجمه و تلخیص به کار برده است.

واژگان کلیدی: قرآن، شعر، جواهری، تأثیر، آموزه‌های قرآنی، توحید، قیامت.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، fallahabrhim@gmail.com

قرآن کریم با دو ویژگی مهم فصاحت، بلاغت و معنای عمیق و نافذش آن چنان تأثیری عمیق بر ساختار زبان عربی داشته که نویسندگان و شاعران بسیاری از اسلوب فصاحت و بلاغت قرآن در آثار خود بهره گرفته‌اند. جواهری یکی از شاعران معاصر عربی در همین زمره خود را مدیون قرآن کریم می‌داند. بخش عمده‌ای از منابع فکری جواهری در دیوانش برگرفته از «قرآن» است و وی در اشعار مختلف خود این تأثیر را نشان داده است. وابستگی و دلبستگی او به قرآن مجید، به سبب تولد در خانواده مذهبی و اصیل شیعی امری عادی است و علاقه زیاد او به قرآن و نهج البلاغه در همان دوران کودکی و با حفظ کردن روزانه آیاتی از قرآن و خطبه‌هایی از نهج البلاغه در وی پرورش یافت. در این پژوهش ما در پی نکته‌هایی برگرفته از علوم، مسایل و موضوعات قرآنی هستیم که به نحوی در اشعار جواهری، انعکاس یافته‌اند.

مهم‌ترین اثر ادبی جواهری دیوان شعر اوست که محور این نوشتار به شمار می‌آید. (خیر، ۲۰۰۷: ۸-۲۰) جواهری به سبب قدرت شعری‌اش، امیرالشعرا و زعیم ادب عربی لقب گرفته بود و تأثیراتی نیز که از آیات قرآن در اشعار او مشاهده می‌شود در حقیقت بر آن‌ها مهر جاودانگی زده است. در آموزه‌های قرآنی جواهری، موضوعات و مفاهیم بسیاری از آیات قرآن مطرح گردیده که نشان می‌دهد شاعر با الهام از قرآن و رهنمودهای آن بر شیرینی کلام خود افزوده است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پرسش‌های اصلی پژوهش

مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

۱. جواهری در چه زمینه‌هایی از آموزه‌های قرآنی تأثیر پذیرفته است؟

۲. مهم‌ترین آموزه‌های قرآنی در دیوان جواهری چیست؟

در پاسخ به پرسش‌های بالا به ترتیب فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. جواهری در لفظ و معنا از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است.

۲. توحید، قیامت، مرگ، دنیا و آخرت، خلقت انسان و فناپذیری زورگویان مهمترین آموزه‌های قرآنی در دیوان جواهری است.

۲-۱. پیشینه پژوهش

شهریار نیازی و سیده فیروزه حسینی در مقاله‌ای با عنوان «هویت‌یابی اسلام و عرب در اشعار محمدمهدی جواهری» (۱۳۹۱) اشعار سیاسی و اجتماعی جواهری را بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که اشعار جواهری بیان‌گر هویت ملی اسلام و اعراب است. مهدی ممتحن، حسین محمدیان و محمد امین رودینی نیز در مقاله «دین در اندیشه جواهری و شهریار» (۱۳۸۹) با بررسی مضامین دینی اشعار محمدمهدی جواهری و محمدحسین شهریار ضمن بیان موارد اشتراک و اختلاف دیدگاه این دو شاعر بزرگ در مورد دین، به این نتیجه رسیده‌اند که جواهری در پی اصلاح در دین می‌باشد، در حالی که نگاه شهریار در اشعار دینی، نگاهی بنیادین است. «بازتاب داستان قرآنی حضرت موسی (علیه السلام) در اشعار محمدمهدی جواهری» تألیف علی اکبر مرادیان قبادی، سید محمود میرزایی الحسینی و جنت نصری اثر دیگری در راستای پیشینه این پژوهش است که اثرپذیری واژگانی، الهام‌گیری از پیام‌ها، دلالت‌ها و مفاهیم حوادث و صحنه‌های داستان حضرت موسی (علیه السلام) را در اشعار جواهری بررسی کرده و به این نتایج دست یافته‌اند که جواهری از حوادث و معجزات مربوط به دوران زندگی حضرت موسی (علیه السلام) به عنوان نمادهایی برای مبارزه با ظلم و ستم استفاده کرده است.

۲. معرفی اجمالی جواهری

محمدمهدی جواهری شاعر شیعی عراقی، معروف به ابوفرات در سال ۱۹۰۰م در شهر نجف اشرف به دنیا آمد. (فاخوری، ۱۳۸۲: ۵۰۷) محمدمهدی در سن پنج سالگی، قبل از ورود به مدرسه، خواندن و نوشتن را نزد برادرش فرا گرفته بود. وی پس از اتمام کلاس پنجم به تحصیل علوم دینی، صرف، نحو، منطق، معانی و بیان پرداخت، چنان‌که تمام افراد خانواده‌اش نیز در این زمینه‌ها علم آموخته بودند. (عطیه، ۱۹۹۸: ۴۰) خانواده جواهری به

واسطهٔ انتساب به آل جواهر (صاحب کتاب جواهرالکلام) مورد احترام عام و خاص قرار داشت و به اسم صاحب جواهر، به ایشان خاندان جواهری اطلاق گردید. (آذرشب، ۳۱۸۵: ۱۴۴) پدر جواهری مردی دیندار بود که علم و ادب و فقه را از جدش فرا گرفته بود و آن‌ها را به فرزندش نیز انتقال داد. (بیضون، ۱۹۹۳: ۱۶) محمدمهدی همراه و همگام با پدر در محافل بزرگ علمی و ادبی نجف شرکت می‌کرد و بارها پدر از وی خواسته بود در برابر جمع، سوره‌ای از قرآن را بخواند. «و چقدر برای پدر باعث افتخار بود، آن هنگام که اهل مجلس، محمدمهدی را نوهٔ صاحب جواهر خطاب می‌کردند و قوهٔ حافظهٔ او را ستایش می‌نمودند.» (عطیه، ۱۹۹۸: ۴۰)

جواهری بیش‌تر عمر خویش را در سفر به کشورهای مختلف آسیایی و اروپایی و برخی کشورهای آمریکایی گذراند و طی این سفرها در مجامع مختلف فکری و ادبی و کنگره‌های ادبی نیز شرکت می‌کرد و از سوی شیفتگان شعر، از او به گرمی استقبال می‌شد. جواهری به علت مخالفت با سیاست‌های حکومت به سوریه تبعید شد (همان، ۹۴) و سرانجام در تاریخ ۱۹۹۷/۷/۲۷م، دور از وطن و در دمشق وفات یافت. (ابوسعده، ۱۹۹۷: ش ۳۲) آرامگاه وی در دمشق و در مزار «الغریبا» می‌باشد. (کاظمی، ۱۳۵۸: ۶۲)

۳. علل تأثیر قرآن در دیوان جواهری

پیش از پرداختن به بحث اصلی، یعنی مهم‌ترین آموزه‌های قرآنی در دیوان جواهری، به علل تأثیر قرآن در دیوان جواهری اشاره می‌شود. مهم‌ترین علل اثرپذیری جواهری از قرآن را می‌توان موارد ذیل دانست:

الف. اصلی‌ترین منبع فکری جواهری، قرآن مجید بود، چون از حافظ قرآن دور از انتظار نیست که محفوظات قرآنی‌اش بر زبان جاری شود.

ب. التزام و تعهد و پابندی جواهری به قرآن کریم و اسلام یکی دیگر از عوامل تأثیر قرآن بر اشعارش می‌باشد. جواهری، مسلمان است و قرآن، کتاب دینی اوست، مسلماً تعهد و تقید او به دین و آیینش باعث می‌شود تا در بیان افکار، نظرات، گرایش‌ها و نوشته‌ها و

سروده‌هایش تعهد داشته باشد.

ج. شاعر در محیطی شیعی - اسلامی رشد و نمو یافت و پیرو قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) است. پس پیرو این بزرگواران در پیروی از امامان خویش به زبان قرآن سخن می‌گوید؛ رهنمودهای آن‌ها را در زندگی شخصی به کار برده و در تمام زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و غیره الگوی خویش قرار می‌دهد.

د. وجود ظلم و ستم، فشار و خفقان و سیاسی حاکم بر کشور عراق، کشورهای مسلمان منطقه و کشورهای غیرمسلمان جهان سبب شد جواهری به مبارزات سیاسی گرایش یابد و برای بیان عقاید خود به زبان شعر روی بیاورد؛ زیرا با زبان شعر بهتر می‌توانست مفید واقع شود. «از آن‌جا که طبق دستورات اسلام، هر فرد مسلمان، خود را در مقابل انسان‌های گمراه مسئول می‌داند، مسلمانان نیز باید آیین خود را به تمامی جهان صادر کنند و با جهل و تاریکی، انحرافات و اوهام و ظلم و ستم مبارزه کنند؛ زبان قرآن، بهترین زبان برای بیان این روشنگری‌هاست.» (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۲) جواهری دو زبان شعر و قرآن را با هم آمیخت تا بهتر بتواند عقایدش را القا کند.

هر ریشه‌ی علاقه‌ی جواهری به قرآن و شعر به دوره‌ی کودکی و نوجوانی او بازمی‌گردد که این شیفتگی زیاد در بیت زیر کاملاً مشهود است:

قد قرأتُ الشعرَ فی «القر	آنِ» من عهدِ النَّصَّابِی
«بَقْدُورِ رَاسِیَاتِ	و جِفَانِ كَالجَوَابِی
(جواهری، ۱۹۷۲، ۱: ۳۱۶)	

«شعر را در قرآن از کودکی در کنار دیگ‌هایی بر جای نشانده و استوار بر زمین و جام‌ها و ظروف بزرگی مانند آبگیرها خواندم.» بیت دوم این شعر برگرفته از این آیه قرآن است: ﴿... وَ تَمَآئِیلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِیَاتٍ...﴾ (سبأ/۱۳)، «... (هر چه می‌خواستند از نمازخانه‌ها و) مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسبیده به زمین (می‌ساختند)»...

بخشی عمده از تفکرات جواهری از تربیت و آموزه‌های دینی - ادبی او نشأت می‌گیرد.

جواهری در خانواده‌ای مذهبی و متدین چشم به جهان گشود و در دامان آنها، به ویژه پدرش آموزش‌های مرتبط با علوم دینی را فرا گرفت و لباس روحانیت بر تن کرد. وی از همان آغاز جوانی علوم ادبی زبان عربی را به خوبی فرا گرفت. زبان ادبی که تنها وسیله بیان اندیشه‌های برتر و اغلب غیرمادی است، خاص طبقه محدودی از اجتماع، یعنی طبقه روشنفکران می‌گردد و آن‌ها نیز پیوسته در اندیشه پاکیزه کردن و فصیح گردانیدن زبان خویش هستند. (آذرتاش، ۱۳۷۷: ۴۲) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جواهری کوشیده است برای فصیح‌تر کردن آثار ادبی خویش - که دیوان اشعارش معروف‌ترین آن‌ها است - از قرآن یاری جوید؛ زیرا قرآن به زبان فصیح نازل شد.

ز. مخاطبان جواهری بیش‌تر در فرهنگ و محیط اسلامی قرار داشتند؛ از این‌رو نحوه ارتباط بین او و آن‌ها با استفاده از زبان قرآن تأثیر بیش‌تری بر جای می‌گذاشت. ح. جواهری اعتقاد داشت کسی که آیات قرآن و نهج‌البلاغه را نخوانده و یاد نگرفته باشد، هرگز امکان ندارد شاعر یا نویسنده شود، هر چند میلیون‌ها کتاب و روایت از عرب و عجم و غربی‌ها بخواند. (علوی، ۱۹۶۸: ۱۸۶)

۴. آموزه‌ها و مفاهیم قرآنی در دیوان جواهری

جواهری، آیات قرآن کریم را در اشعار خود به صورت مستقیم، غیر مستقیم (تلمیحی و مضمونی)، ترجمه، تلخیص به کار برده است. در ادامه به آموزه‌های قرآنی که در دیوان جواهری انعکاس یافته‌اند، می‌پردازیم.

۴-۱. توحید و وحدانیت خداوند

توحید و وحدانیت خداوند متعال موضوعی است که در بسیاری از آیات قرآن به آن اشاره شده است. جواهری نیز در اشعارش این نکته را تصریح می‌کند:

يُؤَكِّدُ أَنَّ الدِّينَ حُبٌّ وَ رَحْمَةٌ وَ عَدْلٌ وَ إِنَّ اللَّهَ لَا شَكَّ وَاحِدٌ

(جواهری، [بی‌تا]: ۲۹۱)

«تأکید شده است که دین دوستی و محبت و رحمت و عدل است و خداوند بی‌هیچ

تردیدی یکی است.»

که به این آیه قرآن اشاره دارد: ﴿وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره/۱۶۳)، «و معبود شما، معبود یگانه‌ای است که جز او هیچ معبودی نیست، [و اوست] بخشایش‌گر مهربان.»

و یا در قصیده‌ای تحت عنوان «صورة من النجف» که در مراسم پنجمین سالگرد شاعر مشهور عراقی «معروف الرصافی» برگزار شده بود. این چنین سروده است:

...و ما هو الاّ واحدٌ فی جمیعہ و ان رجَمَ الغاوی و ساءت ظنونه

(جواهری، ۱۹۷۲، ۱: ۲۰۵-۲۰۸)

«خدا یکی است اگر چه گمراه از روی حدس و گمان حرف بزند و گمانش بد باشد.»
معنای فوق در این آیات قرآن بیان شده است: ﴿وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ﴾ (مائده/۷۳)،
«و جز خدای یگانه خدایی نیست» و یا در آیه ﴿قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ (انعام/۱۹)، «بگو: محققاً او خدایی یکتاست و من بیزارم از آنچه شما شریک خدا قرار می‌دهید.» و یا در جای دیگر می‌گوید:

یا نبته الله فی علیا مظاهره آمنت بالله لم یولد و لم یلد

(جواهری، [بی‌تا]: ۳۴۳)

«ای مظهر و آفریده خدا در بالاترین مظاهرش، به خدا ایمان آوردم نه زاده شد و نه می‌زاید.»

به نظر می‌رسد مراد از «نبته» در این بیت پیامبر ﷺ باشد که بالاترین آفریده خداوند است.

در بیت مذکور جواهری از آیه ۳ سوره اخلاص اثر پذیرفته است. که می‌فرماید: ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾، «نه زاییده و نه زاده شده است.»

۴-۲. قیامت

از نظر جواهری قیامت دعوت مشهودی است که در اشعارش به آن تصریح می‌کند، آنجا که می‌سراید:

و دعوۀ مشهودۀ و تدعو لیوم یشهد

(جواهری، [بی تا]: ۱۸)

«و دعوتی است مشهود و آشکارا که فرامی خواند برای روزی که گواهی داده شده است.»

بیت فوق ترجمه این آیه است که می فرماید: ﴿... وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا﴾ (نساء/۱۵۹)، «و در روز قیامت او بر آنان گواه خواهد بود». در این جا «لیوم یشهد» کلید واژه‌ای است که دال بر هنر تضمین جواهری از آیه فوق الذکر دارد. و یا در جای دیگر می سراید:

و سَمَّ جِبَاهٍ كَخَفَقِ الصُّقُورِ عِظَامًا تَنَاثُرُ، أَوْ تَضَرَعُ

(همان)

«و بلندی و بزرگی پیشانی اش همچون استخوان‌های به هم پیوسته شاهین بزرگ در حال پرواز است.»

بیت فوق اشاره به این آیه قرآن دارد: ﴿... وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا...﴾ (بقره/۲۵۹)، (بنگر به استخوان‌ها چگونه پیوند کنیم پس آن‌ها را به گوشت پوشانیم.) شاعر معتقد است که اگر برای انسان اجر و پاداش و مزدی است، آن پاداش و اجر و مزد روز قیامت است.

إِنْ يَكُنْ لِلْمَرْءِ أَجْرٌ فَهُوَ لِي يَوْمَ الْحِسَابِ

(جواهری، ۱۹۷۲، ۱: ۳۱۸)

«اگر برای انسان پاداشی باشد. آن پاداش در روز قیامت برای من است»

مضمون بیت فوق در این آیه مشاهده می شود: ﴿... وَ إِنَّمَا تُؤَفَّقُونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾ (آل عمران/۱۸۵)، «... و جز این نیست که به شما پرداخته شود مزدهای شما روز قیامت...» جواهری معتقد است که روز محشر و قیامت روز حساب و کتاب است. در آن روز، روز گردآوری و فراخوان عمومی است و اشخاص گناهکار باید به حساب‌شان رسیده شود.

... و يوماً مثلاً يوم الحشر فيه يطول لكل ذي وزر حساب

(جواهری، [بی تا]: ۸۰۶)

«و روزی مانند روز رستاخیز در آن روز برای هر گناهکار حساب و کتاب طولانی می شود.»

این بیت در مصرع اول اشاره به این آیه دارد: ﴿... وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ (فرقان/۱۷): «... روزی که گرد آوردشان با آنچه پرستند...»

۴-۳. مرگ

مرگ سرنوشت محتوم بشر است و ریسمانی است که او را به ابدیت پیوند می دهد. به اعتقاد جواهری آنچه که وقوع مرگ و پذیرش آن را (برای آدمی) آسان می کند، نبود هیچ راه گریز و فراری از آن است. جایی که قضا و قدر حضور پیدا کند، احتیاط و فرار از مرگ، سودی نبخشد. جواهری در قصیده‌ای در مرثیه علامه شیخ حسن فرزند، صاحب جواهر چنین سروده است:

و فوق یمینی یمین القدر

أن ليس للمرء منه مفر

حذرت و ماذا يفيد الحذر

و مما يهون وقع الحمام

(جواهری، ۱۹۷۲، ۱: ۳۴۵-۳۵۰)

«احتیاط نمودم و احتیاط چه فایده‌ای دارد در حالی که بالای دستم، دست قضا و قدر است. و یکی از دلایلی که وقوع مرگ و پذیرش آن را (برای آدمی) آسان می کند، این است که انسان راه گریزی از آن ندارد.»

شاعر در ابیات فوق از قرآن مدد جسته است: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ (آل عمران/۱۸۵) «هر جاننداری چشنده طعم مرگ است» و یا این آیه شریفه: ﴿يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُجُ﴾ (قیامت/۱۰)، «در آن روز انسان می گوید، گریزگاه کجاست.»

جواهری اعتقاد دارد مرگ انسان نامشخص و راهی مجهول و ناشناخته است. در قصیده‌ای که در مرثیه شیخ مهدی خالصی سروده است، بیان می دارد:

... یکنی العقول جهالة تعریفها للموت أن سبيلة مجهول

(همان، ۱: ۳۳۷-۳۳۳)

«همین نادانی برای خردها بسنده می‌کند که در تعریف مرگ راهی ناشناخته پیش رو

دارد.»

مفهوم یادشده در این آیه آمده است: ﴿... وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (لقمان/۳۴)، «... و کسی نمی‌داند در کدام سرزمین می‌میرد، همانا خداوند دانای آگاه است.»

از آن‌جا که به تصریح قرآن، زمان و مکان مرگ انسان مجهول می‌باشد، جواهری با استفاده از درون مایه این آیه اشاره نموده‌اند که راه مرگ ناشناخته است.

جواهری معتقد است که هیچ دژی مانع مرگ نمی‌شود و هیچ دفاع‌کننده‌ای در برابر مرگ حتمی وجود ندارد آن‌جا که می‌سراید:

أَتْتَهَا فَلَمْ تَمْنَعْ رَدَاها حُصُونُهَا وَ لَيْسَ مِنَ الْمَوْتِ الْمُحْتَمِّمِ دَافِعِ

(جواهری، [بی‌تا]: ۲۲)

«مرگ به سراغ انسان می‌آید و دژهایی که در اطراف خود برافراشته مانع از پوشیدن ردای مرگ بر او نمی‌گردد و در برابر مرگ حتمی و گریزناپذیر، مدافع و حمایت‌کننده‌ای نیست.»

بیت بالا ترجمه و تلخیص این آیه قرآن است: ﴿...حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يُفْرَطُونَ﴾ (انعام/۶۱)؛ «... تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، فرشتگان ما جان‌ش بستانند، در حالی که کوتاهی نمی‌کنند.» و یا بر گرفته از این آیه شریفه است: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ...﴾ (نساء/۷۸)؛ «هر کجا باشید، شما را مرگ درمی‌یابد؛ هر چند در برج‌های استوار باشید...»

۴-۴. دنیا و آخرت

آیات قرآنی برای انسان، زندگی در جهان دیگر، یعنی دنیای آخرت را ترسیم می‌کند و تأکید دارد که اعمال انسانی از کوچک و بزرگ و خوب و بد نزد خداوند حسابرسی می‌شود و انسان در روز قیامت نتیجه آن را خواهد دید و نیز قرآن کریم به طور مفصل از بهشت و نعمت‌های آن و از جهنم و عذاب آن سخن می‌گوید تا انسان را مسئولیت‌پذیر بار آورد، چنان‌که خداوند را هر لحظه بر اعمال خود ناظر بداند. (رضایی، ۱۳۸۱: ۲۳)

جواهری در اشعار خود بیشترین توجه را به مسئله دنیا و آخرت داشته است. از جمله در قصیده «منی شاعر» می‌سراید:

... سألتك ما معنى وجودِ مكوّنٍ إذا لم تكن عقباه غير المهالكِ
و هل هذه الدنيا سبيلٍ لعابٍ أم الأرضُ مهواة لغوأة الهوالِكِ
(جواهری، ۱۹۷۲، ۱: ۱۲۰)

«از تو پرسیدم که معنای هستی پدیدآمده چیست؟ هنگامی که پایش تنها نیستی و نابودی است. و آیا این دنیا راهی برای عبورکننده ست؟ یا زمین پرتگاهی برای طغیان‌گران نابودشونده است.» (به نظر می‌رسد که هستی حادث است نه قدیم و از میان خواهد رفت.) آن‌چه قطعی به نظر می‌رسد به اعتقاد جواهری دنیا محل گذر است. و آخرت جایگاه قرار است. که در قرآن به آن تصریح شده است: ﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتْعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ (غافر/۳۹)؛ «ای قوم من، این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است و در حقیقت، آن آخرت است که سرای پایدار است.» و یا در سوره عنکبوت می‌فرماید: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (عنکبوت/۶۴)؛ (و این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست، و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است؛ ای کاش می‌دانستند.)

به اعتقاد جواهری دنیا سرای ایثار و فداکاری و تعاون است و در سرای جاودان یعنی آخرت باغ‌های بهشتی و نهرها است. آن‌جا که می‌سراید:

في هذه الدار ايثارٌ و تضحيةٌ و في ذرى الخلد جناتٌ و أنهارُ
(جواهری، [بی‌تا]: ۵۹۰)

مفهوم قرآنی بیت مذکور، این آیه است که می‌فرماید: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...﴾ (بقره/۲۵)؛ «و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که ایشان را باغ‌هایی خواهد بود که از زیر [درختان] آن‌ها جوی‌ها روان است...»

به نظر می‌رسد جواهری در بیت بالا متأثر از آیه قرآن دنیا محل عمل و ایثار و فداکاری

می‌داند و آخرت را جایگاه دریافت پاداش و ثواب است. او این معنا را از آیه در یافت کرد و با هنر شعر به تصویر کشید.

جواهری در قصیده «تنویمه الجیاع» معتقد است که دنیا پلی است و از آن باید گذر کرد.

نامی فِحْرَزُ الْمُؤْمِنِينَ يَدْبُ
عَنكَ عَلِي الدَّوَامِ
نامی فما الدنيا سوي
«جسرا! علی نكدي مقام

(جواهری، ۱۹۷۴، ۴: ۷۱-۸۰)

«بخواب و آرام گیر پس دعا و تعویذ مؤمنان از تو به طور پیوسته حمایت می‌کند، بخواب و آرام گیر، دنیا جز پلی بر جایگاه سخت و مشکل نیست.» در ابیات یادشده شاعر به آیه ۳۹ غافر اشاره دارد که پیش از این به آن اشاره شد.

۴-۵. خلقت انسان

داستان خلقت و آفرینش انسان از دیگر موضوعاتی به‌شمار می‌رود که جواهری در اشعارش به آن پرداخته است:

... سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبُّ الْمَرْءِ يَخْلُقُهُ
صَلْصَالَةً وَ هُوَ مِنْ نَارٍ وَ مِنْ شَرِّ

(همان، ۳۲۴-۳۰۹)

«منزه است پروردگار تو، آفریننده و خالق انسان که او را از گل خشک خلق کرد و در حالی که شیطان از آتش و جرقه آتش است.»

جواهری به این آموزه قرآنی باور دارد که انسان از گل خشک و شیطان از آتش آفریده شده است. در بیت مذکور دو اشاره به آیات قرآنی وجود دارد، نخست به آیه کریمه ﴿وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ﴾ (حجر/۲۸)؛ «و [یاد کن] هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من بشری را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، خواهم آفرید.» دوم به آیه کریمه ﴿قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ (اعراف/۱۲)، «فرمود: (چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی؟) گفت: (من از او بهترم. مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی)»

به اعتقاد جواهری روح خدایی در انسان دمیده شده است و انسان باید خداگونه شود؛
زیرا امانتدار است:

و لَيْسَتِ الرِّيحُ يُهْدِي اللهُ نَفْحَتَهَا لنابل الروح يُوحِيها لِأجسادِ
(جواهری، [بی تا]: ۹۶)

به اعتقاد جواهری خداوند تقسیم کننده روزی میان بندگانش است:

نَمِي يُسَاقِطُ رِزْقَكَ الموعود فوقك بانتظام
(جواهری، ۱۹۷۴، ۴: ۸۰-۷۱)

«ای نفس) بخواب و آرام گیر تا رزق و روزی وعده داده شده است در آسمان پیوسته بر
تو فرود آید.»

بیت بالا به این آیه قرآنی اشاره دارد: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا...﴾
(هود/۶): «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر آن که روزی او بر (عهده) خداوند است...»
شاعر در بیت دیگری می‌گوید، تعجب برای چه؟ سهم و بهره و نصیب انسان را تنها
تقسیم کننده روزی‌ها (آفریننده او) قسمت نموده است و به هر کس سهمی (که متعلق به او
است) می‌رسد.

مِمَّ التَّعَجُّبُ صَاحِبِيَّ وَ إِنَّمَا قَسَمَ الْحِظُوظَ مَقْسَمَ الْأَرْزَاقِ
(همان، ۱: ۳۰۳-۳۰۱)

«ای همراه من! از چه در شگفتی و سهم ما و بهره‌ها (ی هر کسی را) تقسیم کننده روزی‌ها
قسمت نمود.»

این بیت برگرفته از سخن خداوند متعال است: ﴿...نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا﴾ (زخرف/۳۲)؛ «ما روزی ایشان را در زندگانی دنیا میان‌شان قسمت کردیم...»

۴-۶. فناپذیری زور گویان

در قرآن کریم آیاتی فراوان درباره کسانی که غیر خدا را می‌خوانند و آن‌ها را به عنوان
ولی و دوست برمی‌گزینند، بیان شده است. قدرت و شوکت زورمندان در معرض فنا و

نابودی قرار دارد؛ از این رو جواهری با الهام از آیات کریم این گونه سروده است:

أَيْنَ بَيْتِ الْجَبَّارِ بَاقٍ عَلِيٍّ سَمِعَ اللَّيَالِي مِمَّا يَقُولُ زَمَازِمِ
(جواهری، [بی تا]: ۲۸۷)

«از (شنیدن داستان‌هایی) که زمزمه‌ها بر گوش روزگار نجوا می‌کند، خامه (و کاخ) ستمگران در کجا برپا و استوار است؟»

جواهری در این بیت از آیه ۴۱ سوره عنکبوت الهام گرفته است: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ...﴾، «داستان کسانی که به جای خداوند سرورانی را به پرستش گرفتند همانند داستان عنکبوت است که خانه‌ای ساخت، و اگر در می‌یافتند سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است.»

نتیجه‌گیری

چنان‌که گفته شد آموزه‌های قرآنی به‌ویژه در دیوان جواهری بازتابی گسترده داشته و وی برای بیان مضامین مختلف موردنظر خود از این آیات سود جست‌ه است. پس از بررسی‌های انجام شده و بیان نمونه‌هایی از اشعار وی در این راستا، می‌توان موارد زیر را به‌عنوان نتایج این پژوهش بیان کرد:

۱. اشعاری که جواهری سروده است، دربردارنده آیات، مضامین یا عبارات قرآنی می‌باشد؛

۲. جواهری درون‌مایه سیاری از اشعارش را با الهام از قرآن کریم سروده و به این‌وسیله بر غنای اشعارش افزوده است؛

۳. جواهری، آیات قرآن کریم را در اشعار خود به‌صورت مستقیم، غیرمستقیم (تلمیحی و مضمونی)، ترجمه، تلخیص به کار برده است؛

۴. آموزه‌های قرآنی مورد توجه و اهتمام جواهری بیش‌تر درباره موضوعات دنیا و آخرت، روز قیامت، حقانیت و وحدانیت خداوند، فناپذیری زورگویان، خلقت انسان، مرگ و تقسیم روزی از جانب آفریدگار است.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم (۱۳۷۶)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران: دارالقرآن

الکریم.

۱. ابوسعده، فؤاد (۱۹۹۷)، مجله الاتحاد. السنة الخامسة.
۲. آذر شب، محمد علی (۱۳۸۵)، الشعر و نهضة الشعور، تهران: مؤسسه الهدی.
۳. آذرتاش، آذرنوش (۱۳۷۷)، تاریخ زبان و فرهنگ عربی، تهران: سمت.
۴. بیضون حیدر، توفیق (۱۹۹۳)، محمد مهدی الجواهری شاعر العراق الاکبر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. جواهری، محمد مهدی (۱۹۷۲)، دیوان جواهری، جلد اول، تحقیق ابراهیم سامرائی، مهدی مخزومی، علی جواهر الطاهر، بغداد: مطبعة الأديب البغدادیة.
۶. خیر، هانی (۲۰۰۷)، مؤسوعة اعلام الشعر العربی الحديث، دمشق: دار و مؤسسه اسلان.
۷. رضائی، رمضان (۱۳۸۱)، تأثیر قرآن در پیدایش علوم ادبی، تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی.
۸. عطیه، جلیل (۱۹۹۸)، الجواهری شاعر من القرن العشرين، آلمان: منشورات الجمل.
۹. علوی، هادی (۱۹۹۸)، الجواهری دراسة نقدیة، [بی جا]: دارالتربیه.
۱۰. فاخوری، حنا (۱۳۸۲)، الجامع فی تاریخ الادب العربی، تهران: شریعت.
۱۱. کاظمی، ابوذر (۱۳۸۵)، «وطنیات در شعر محمد مهدی جواهری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، بابل: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۲. مرادیان قبادی، علی اکبر، میرزایی الحسینی، سید محمود، نصری، جنت (۱۳۹۴)، «بازتاب داستان قرآنی حضرت موسی (علیه السلام) اشعار محمد مهدی جواهری»، پژوهش های قرآنی در ادبیات، سال دوم، ش اول. صص ۱۳۸-۱۱۳.
۱۳. ممتحن، مهدی، محمدیان، حسین، رودینی، محمد امین (۱۳۸۹)، «دین در اندیشه جواهری و شهریار»، مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱۵. صص ۱۶۴-۱۴۳.
۱۴. نیازی، شهریار، حسینی، سیده فیروزه (۱۳۹۱)، «هویت یابی اسلام و اعراب در اشعار محمد مهدی جواهری»، ادب عربی، دوره ۴. ش ۱. صص ۲۰۲-۱۷۵.